گردش اقتصاد ایران چگونه است؟ سهم مزد و واردات در رشته های مختلف اقتصادی (سومین و آخرین قسمت)

بررسی جداول داده‏ها و ستانده‏ها در اقتصاد کشورمان نشان میدهد که در سال 1365(که مبنای‏ محاسبه آخرین جدولهای منتشر قرار گرفته است) برابر 1618 میلیارد ریال از عرضه کل کشور از طریق‏ واردات صورت گرفته است.از این رقم 1508 میلیارد ریال آن یا 2/93 درصد مربوط به کالاهای صنعتی‏ بوده است.بعبارت دیگر بیشتر اتکاء به واردات، مربوط به رفع نیاز صنایع و یا اصولا کالاهای صنعتی‏ مصرفی بوده است.

با اینهمه اگر از زاویه‏ای دیگر به مسأله نگریسته شود- یعنی از زاویه توزیع واردات برحسب مصرف نهائی به‏ نتایجی میرسیم که حاکی از کمک به حرکت چرخهای‏ صنعتی کشور است.به‏این‏معنی که 2/82 درصد از واردات کشور کالاهای واسطه‏ای بوده است که وارد- جریان تولید برای تهیه فراورده‏های نهائی شده‏ است و فقط 8/17 درصد از واردات جنبه کالاهائی‏ ساخته شده و آماده برای مصرف نهائی داشته است و از آنجا که عرضه کل-بطوریکه قبلا تشریح گردید، فقط 2/6 درصد به واردات کالا و خدمات متکی بوده‏ و بقیه از داخل تولید شده است،رقم واردات،با توجه به ترکیب آن-بیشتر توجیه‏پذیر میشود.با اینهمه سیاست بلندمدت ما باید آن باشد که هرچه‏ ممکن است نیاز صنایع به واردات مواد واسطه،مواد اولیه،و حتی ابزار و قطعات یدکی را کم کنیم و بر تأمین‏ این نیازها از تولیدات داخلی بیفزائیم.به این‏ ترتیب صنایع کشورمان را هرچه بیشتر به خودکفائی‏ نهائی نزدیک میکنیم.امیدواریم بین خود گردانی‏ و خودکفائی اشتباه لفظی پیش نیاید.ممکن است‏ صنعتی خودگردان باشد یعنی خرج‏ودخل کند و حتی‏ منافع قابل توجهی هم برجای بگذار،اما خودکفا نباشد،یعنی برای چرخش فعالیتهایش پیوسته‏ نیازمند به خارج از کشور باش.چنین صنعتی از صنعت‏ مستقل ملی فاصله زیاد دارد.ما باید فرض کنیم که اگر روزی-به هر دلیل-دروازه‏های کشور بر روی‏ واردات بسته شود،تا چه میزان و چند درصد میتوانیم اقتصاد و بخصوص صنایع خود را-روی پای‏ خویش-نگهداریم.

بازهم‏همین آمار را از زاویه دیگر نگاه میکنیم تا تصویری هرچه جامعتر و کاملتر از اقتصاد خود و تأثیر متقابل عوامل اقتصادی-در یکدیگر،نشان داده‏ باشیم.از رقم کل واردات 9/7 درصد آن مستقیما بمصرف نهائی خانوار رسیده-3/9 درصد آن‏ برای تشکیل سرمایه بوده است که این رقمی بسیار ناچیز است.اگر قرار است به رشد اقتصادی فراگیر دسترسی پیدا کنیم باید سهمی را که برای تشکیل‏ سرمایه در نظر گرفته میشود-هم از منابع داخلی و هم‏ از منابع وارداتی-نسبت به دیگر مصارف افزایش‏ دهیم زیرا که فرض ما اینست که سرمایه زاینده و مولد ثروت و باعث توانگری کل جامعه است.توزیع‏ عادلانه مسألهایست که باید جداگانه به آن پرداخته‏ شود.)

لازم به ذکر است که از رقم ذکر شده برای واردات در سال 65 معادل 253 میلیارد ریال آن مربوط به حقوق‏ گمرکی،سود بازرگانی و سایر عوارض وارداتی بوده‏ است که بر ارزش واردات افزوده شده است.

اما کالاهای واسطه‏ای به کدام بخشهای اقتصاد رفته است؟آمار حاکی است که 2/34 درصد آن در بخش‏ امور عمومی و اجتماعی صرف شده 6/31 درصد آن به‏ بخش صنعت رفته است 60/7 درصد در بخش بازرگانی‏ بمصرف رسیده(که هتلداری و رستوران نیز در همین‏ بخش قرار میگیرد)9/2 درصد نیز به بخش حمل و نقل رسیده است.

ارزش افزوده

اینک میرسیم به یک مقولهء بسیار مهم دیگر سهم‏ ارزش‏افزوده در فعالیتهای اقتصادی کشورمان‏ است.که گفته تهیه‏کنندگان جدول داده-ستاندهء اقتصاد ایران،"ارزش افزوده هر فعالیت اقتصادی، که از تفاضل ارزش تولید و هزینه‏های واسطه‏ای آن‏ فعالیت حاصل میشود،مهمترین شاخص عملکرد اقتصادی کشور محسوب میشود."

جداول مورد استناد ما نشان میدهد که بخش صنعت‏ در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی از بیشترین‏ ارزش اقتصادی برخوردار بوده است.ارزش‏افزوده‏ این بخش در سال مورد گزارش برابر 3014 میلیارد ریال بوده است که این مبلغ برابر 8/9 درصد ارزش‏افزودهء کل اقتصاد کشور بوده است که رقمی از هرجهت قابل توجه است،در حالیکه بخش کشاورزی‏ با همهء اهمیتی که دارد و بالاترین نیروی انسانی‏ کشور را بخود اختصاص داده و اصولا بخشی-و به‏ عقیدهء بسیاری از اقتصاددانها تنها بخش-زاینده‏ و مولد ثروت تجدیدشدنی محسوب میشود،معادل‏ 2045 میلیارد ریال ارزش‏افزوده داشته که معادل‏ 4/13 درصد کل ارزش‏افزودهء اقتصاد کشور میباشد و ازاین‏حیث بعد از خدمات عمومی-و بخش خدمات‏ مالی،پولی و بیمه و مستغلات قرار داشته است.

اما باید توجه داشته باشیم که رقم 8/19 درصد ارزش‏افزوده اقتصادی کشور که از صنعت حاصل شده‏ بمعنی سود این صنعت نمی‏باشد،بلکه اهمیت صنعت را در کل اقتصاد نشان میدهد.در حقیقت اگر نسبت‏ هزینه‏های واسطه به ارزش تولید را در نظر بگیریم‏ صنعت در ردیف آخر قرار میگیرد.به این معنی‏ که برای هر 100 واحد ارزش‏افزوده در صنایع 6/58 واحد هزینه واسطه‏ای بمصرف رسیده که بمعنی‏ سرمایه‏بری زیاد صنعت میباشد. درحالیکه برای مثال در معادن‏ کشور برای هر 100 واحد ارزش‏افزوده فقط 10 واحد و برای بخش بازرگانی برای هر 100 واحد ارزش‏افزوده فقط 8/11 واحد هزینه واسطه‏ای‏ مصرف شده است که بمعنی سودآوری بیش از حد تصور این واحدها میباشد.(توجه خواننده را به این‏ نکته جلب میکند که ما در اینجا از اقتصاد کلان صحبت‏ میکنیم و وارد بحث اقتصاد خرد یا اقتصاد فلان و بهمان بنگاه اقتصادی که سودی بیشتر یا کمتر بوده و یا زیان داده‏اند نیستیم.بحث گردش اقتصادی و تأثیر متقابل عوامل آن در میان است و لاغیر.)

نسبت جبران خدمات به‏ ارزش‏افزوده

ارزش خدمات در حقیقت آن چیزی است که‏ بعنوان دستمزد پرداخت میشود اعم از اینکه به‏ کارکنان هر مؤسسه باشد یا از خارج خریداری شود و اعم از اینکه جنبهء تخصصی یا غیرتخصصی داشته‏ باشد و اعم از اینکه از دستگاه دولتی یا خصوصی‏ تحصیل شده باشد.

براساس آمار مورد استناد نسبت جبران خدمات به‏ ارزش‏افزوده در سطح کل اقتصاد کشور برابر با 27 درصد بوده است.اگر برای ساده کردن بحث،نسبت‏ جبران خدمات را-با کمی تسامح-دستمزد بنامیم، بالاترین هزینه دستمزد مربوط به بخش ساختمان‏ بوده است که در برابر هر 100 واحد ارزش‏افزوده‏ 3/65 واحد یا 65 درصد آن صرف دستمزدها و خدمات گوناگون شده است.پس‏ازآن بخش‏ عمومی و اجتماعی قرار داشته که 4/58 درصد ارزش‏ افزوده به مصرف دستمزدها و خرید خدمات رسیده‏ است-که رقمی بالا و حاکی از اشکالات ساختاری‏ در این بخش است.سودآورترین بخش در قبال‏ هزینه جبران خدمات،بخش پولی،مالی،بیمه و مستغلات(اجاره و رهن و نه ساختمان)میباشد که‏ در برابر هر 100 واحد ارزش‏افزوده،فقط 7/5 درصد آن بمصرف هزینه جبران خدمات رسیده است.این‏ نسبت برای بخش بازرگانی 3/7 درصد،برای‏ بخش کشاورزی 1/10 درصد-برای حمل‏ونقل و ارتباطات 1/16 درصد،برای معادن 1/18 درصد برای صنعت 6/31 درصد و برای بخش آب و گاز 7/55 درصد میباشد(که در این مورد اخیر نیز تجدید نظرهای ساختاری و بهینه‏سازی روشها و افزایش‏ بازده کار جای تأمل دارد).

بحث ما در اینجا خاتمه می‏یابد.خوانندگانی‏ را که علاقمند به درک جزئیات امر هستند به گزارش کلی‏ جدول داده-ستانده اقتصاد ایران از انتشارات‏ مرکز آمار ایران راهنمائی میکنیم.